

واکاوی فضا سازی رسانه‌ای آمریکا

در پرونده هسته‌ای ایران

(بررسی موردی عملکرد صدای آمریکا)

محمدعلی شیرخانی*

جواد حق‌گو**

چکیده

بحران آفرینی، سیاست اصلی دولت ایالات متحده در موضوع هسته‌ای ایران را تشکیل داده است. در این میان، دیپلماسی رسانه‌ای ایالات متحده نقشی بی‌بدیل در ساخت بحران هسته‌ای ایران و سپس تداوم این بحران داشته است. در طی سال‌های گذشته رسانه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای دولت ایالات متحده با القای نزدیک شدن حکومت ایران به مرحله ساخت بمب اتم، افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند. بررسی چگونگی این اقدام رسانه‌ای، مسئله اصلی این مقاله را تشکیل داده است. در بررسی این مسئله، ضمن اشاره به نقش اساسی صدای آمریکا در ساخت و سپس تداوم مناقشه هسته‌ای ایران، به تحلیل محتوایی عملکرد این رسانه پرسابقه آمریکایی پرداخته‌ایم. با توجه به ماهیت این مقاله، در این پژوهش از روش تحلیل محتوا بهره برده‌ایم. همچنین با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی به گردآوری اطلاعات لازم پرداخته و در نهایت ضمن تبیین چگونگی بحران‌سازی از موضوع هسته‌ای ایران به دسته‌بندی مناطق تأثیرپذیر از این فضا سازی رسانه‌ای و ابعاد گوناگون آن پرداخته‌ایم.

واژگان کلیدی

بحران هسته‌ای ایران، صدای آمریکا، ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی، اسلام‌هراسی

Email: shirkhani@ut.ac.ir

Email: jhaghgo@ut.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۹۴/۴/۷

۵-۲۲ فصلنامه راهبرد / سال بیست و چهارم / شماره ۷۵ / تابستان ۱۳۹۴ / صص

* استاد و مدیر گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

** دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه تهران

تاریخ ارسال: ۹۳/۱۱/۲۹

جستار گشایی

هم‌زمان با آغاز طرح موضوع هسته‌ای ایران در سال‌های آغازین قرن بیست و یکم، دولت آمریکا با بهره‌مندی از ظرفیت‌های تبلیغاتی-رسانه‌ای خود، بحران‌آفرینی در موضوع هسته‌ای ایران را در دستور کار خود قرار داد. این امر به‌گونه‌ای رقم خورد که رسانه‌های وابسته به دولت ایالات متحده که نقشی اساسی در پیشبرد دیپلماسی رسانه‌ای این دولت برعهده دارند، در رویه‌ای مشترک پس از وقوع هر رویدادی درباره موضوع هسته‌ای، موج جدیدی از بحران‌آفرینی را کلید زده و با القای نزدیک‌شدن حکومت شیعی ایران به مرحله ساخت بمب اتم، افکار عمومی را تحت‌تأثیر قرار داده‌اند. مسئله اصلی این پژوهش آن است که این فضا سازی رسانه‌ای چگونه صورت پذیرفته است. به‌عبارت دیگر، دغدغه اصلی این مقاله ناظر به بررسی چگونگی برساخته‌شدن بحران هسته‌ای ایران توسط رسانه‌هایی چون صدای آمریکا است.

فرضیه اصلی. رسانه‌های آمریکایی نقشی اساسی در برساختن بحران هسته‌ای ایران داشته‌اند. براین اساس، رسانه‌ها به‌عنوان اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای آمریکا با استفاده حداکثری از ظرفیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی خود با هجمه گسترده رسانه‌ای علیه فعالیت صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، نقشی اساسی در بحران‌آفرینی و سپس تداوم بحران هسته‌ای ایران داشته‌اند.

روش پژوهش. با توجه به ماهیت این مقاله، در بررسی محتوای تولیدشده در رسانه صدای آمریکا و ارزیابی جهت‌گیری آن در موضوع هسته‌ای ایران از روش تحلیل محتوا بهره برده‌ایم. توضیح آنکه در بررسی فرضیه اصلی پژوهش پس از توصیف شرایط و اطلاعات موجود به تحلیل و ارزیابی نهایی پرداخته‌ایم. در این پژوهش با بهره‌مندی از منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و اینترنتی به گردآوری اطلاعات پرداخته‌ایم.

۱. چارچوب نظری: نظریه برجسته‌سازی

رسانه‌ها همیشه مشغول به تأثیرگذاری بر یک پدیده یا تأکیدزدایی از آن هستند. هارولد دنیز برای این اقدام از صفت جهت‌گیری استفاده می‌کند. در همین رابطه نیل پستمن می‌گوید: «رسانه‌ها کارشان این است که ساختارهای واقعی را در زمان انتقال ارزش‌گذاری می‌کنند و با این کار پدیده‌ای را مهم‌تر و پدیده دیگری را نازل‌تر نشان می‌دهند» (شکرخواه، ۱۳۷۴: ۹۰). در همین راستا دومنیک معتقد است که رسانه‌ها اثری به نام تعیین دستور کار دارند؛ یعنی آنها می‌توانند برخی موضوعات خاص را انتخاب و بر آنها تأکید کنند و از این افق باعث شوند که

جامعه هدف برای این موضوعات اهمیت قائل شود. در همین رابطه، نظریه برجسته‌سازی یکی از رهیافت‌های نظری مهم در علوم ارتباطات است که این موضوع را مورد تدقیق قرار داده است. برجسته‌سازی^۱ به معنی اولویت‌گذاری بر برنامه‌ای خاص است. در راستای موضوع این مقاله می‌توان گفت که برجسته‌سازی یعنی این اندیشه که رسانه‌های خبری با ارائه خبرها، موضوعاتی را که مردم درباره آنها می‌اندیشند، تعیین می‌کنند (شاکری، ۱۳۸۴). برجسته‌سازی بیانگر یکی از تأثیرات قدرتمند رسانه‌ها است؛ توانایی رسانه‌ها در اینکه به ما بگویند که چه مواردی مهم و قابل توجه هستند. از سال ۱۹۲۲ میلادی *والتر لیپمن*، ستون‌نویس روزنامه‌ها، نسبت به قدرت رسانه‌ها در ارائه و شکل‌دهی تصاویر ذهنی، به عموم هشدار داده بود. به باور کامبز و شاو، برجسته‌سازی رسانه‌ای، مجموعه‌ای از موضوعات است که توسط منابع رسانه‌ای، درست و مرتب می‌شود و برجسته‌سازی عمومی، موضوعاتی است که از نظر توجه عموم، مهم‌تر است (McCombs and Shaw, 1972: 176).

نظریه برجسته‌سازی که برای نخستین بار توسط مک‌کامبز و شاو در پژوهش *چیل‌هیل* در سال ۱۹۶۸ توسعه یافت، می‌گوید که رسانه‌های جمعی اولویت را با برجسته‌کردن بعضی از مسائل برای افکار عمومی، معین می‌کنند (شکرخواه، ۱۳۷۴: ۹۰). آنها در تحقیق و بررسیشان در مورد نقش رسانه در مبارزه انتخاباتی ریاست‌جمهوری ۱۹۶۸ میلادی در کارولینای شمالی، فرضیه اولیه تحقیق خود را مطرح ساختند (McCombs and Shaw, 1972: 176). فرضیه اولیه تحقیق، این بود که رسانه‌ها با تأکید بر موضوعاتی خاص، آنها را نزد مخاطبان مهم جلوه می‌دهند، به طوری که این موضوعات در نظر مخاطبان در اولویت قرار می‌گیرند. در این پژوهش، ۱۰۰ رأی‌دهنده که تا زمان انجام پژوهش یادشده، هنوز در انتخاب‌کنندگی مورد نظر خود مردد بودند، مورد مطالعه و بررسی قرار گرفتند. این دو محقق، ابتدا موضوعاتی را که از نظر این رأی‌دهندگان از اولویت و اهمیت بیشتری برخوردار بود مشخص کردند. سپس با توجه به محتوای رسانه‌ها موضوعاتی را که از نظر رسانه‌ها مهم بود و در اولویت قرار داشت استخراج کردند. در مرحله بعد به مقایسه این دو دسته از موضوعات پرداخته و دریافتند که ترتیب اهمیت و اولویت موضوعات در میان رأی‌دهندگان و رسانه‌ها یکسان است. نتایجی که در پایان به دست آمد با فرضیه‌ای که در آغاز پژوهش مطرح شده بود، مطابقت داشت (سورین و تانکارد، ۱۳۸۴: ۳۲۷-۳۲۸). به عبارت دیگر، همان‌طور که پیش از آن برنارد کوهن در سال ۱۹۶۳ اظهار داشته بود، رسانه‌ها ممکن است در اغلب اوقات در اینکه به مردم بگویند

که چگونه فکر کنند موفق نباشند، اما آنها در اینکه به خوانندگان خود بگویند که درباره چه چیزی فکر کنند، موفق هستند (Cohen, 1963: 120).

برجسته‌سازی معمولاً به منزله عملکرد رسانه‌های جمعی در نظر گرفته می‌شود. برجسته‌سازی فراگردی است که طی آن، رسانه‌های جمعی اهمیت نسبی موضوعات مختلف را به مخاطب انتقال می‌دهند. به لحاظ رسانه‌ای، برجسته‌سازی فرایندی است که طی آن رسانه‌ها سعی می‌کنند تا بر ذهنیت مخاطبان خود به نحو دلخواه تأثیر گذارند و افکار عمومی را به جهات مورد نظر سوق دهند و این امر با رده‌بندی اهمیت رویدادها، عملی می‌شود. در واقع، در این فرایند، اولویت‌های رسانه، مقدار هر نوع رویداد را در بخش‌های خبری مشخص می‌سازند. به لحاظ محتوایی، تکرار بیش از حد رویدادها، برجسته‌سازی را مشخص می‌سازند. رویدادهایی وجود دارند که نه از ارزش خبری برخوردارند و نه برای مخاطبان مهم تلقی می‌شوند، ولی در این موارد تکرار به اندازه‌ای است که رویداد مورد نظر جنبه تبلیغی پیدا می‌کند (شکرخواه، ۱۳۷۴: ۹۰).

هر روز سردبیران و دبیران اخبار-خبربانان در سیستم رسانه‌ای خبر- باید تصمیم بگیرند که کدام عنوان خبری می‌تواند پذیرفته یا رد شود. علاوه بر این، با همهٔ عنوان‌هایی که از مجرای خبربانی می‌گذرند، هنگام ارائه به مخاطبان یکسان رفتار نمی‌شود؛ بعضی‌ها به تفصیل و بقیه به‌طور بسیار کوتاه عرضه می‌شوند؛ بعضی از این عنوان‌ها به سرعت در قالب اخبار رادیویی و تلویزیونی پخش می‌شوند، ولی بقیه بعداً این موقعیت را پیدا می‌کنند. از طریق اندازه تیترو مکان قرارگرفتن آن در صفحه روزنامه است که جراید آشکارا به یک خبر بها و ارزش می‌دهند. برجسته‌سازی ادعا می‌کند که مخاطبان، این برجستگی‌ها را از رسانه‌های خبری می‌گیرند و آن را همراه مجموعه مشابهی از ارزش‌ها در دستورکارهای شخصی خود می‌گنجانند. بنابه فرضیه ارائه‌شده در این مقاله، موضوع هسته‌ای ایران یکی از دستورکارهای اولویت‌دار در عملکرد رسانه‌های آمریکایی است. به عبارت دیگر، به‌باور این پژوهش، رسانه‌های آمریکایی با برجسته‌سازی جهت‌دار ابعاد گوناگون موضوع هسته‌ای ایران، در ساخت و تداوم بحران هسته‌ای ایران نقشی اساسی داشته‌اند. ادعایی که در ادامه با تحلیل محتوایی عملکرد رسانه صدای آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای دولت ایالات متحده مورد ارزیابی قرار گرفته است.

۲. واکاوی رفتار صدای آمریکا در قبال پرونده هسته‌ای ایران (بررسی موردی)

هم‌زمان با طرح پرونده هسته‌ای ایران، رسانه‌های مختلف غربی، به‌خصوص رسانه‌های وابسته به دولت‌های آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در اقدامی هماهنگ، تبلیغات رسانه‌ای علیه فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران را در دستورکار قرار دادند. در این میان، صدای آمریکا به‌عنوان باسابقه‌ترین رسانه آمریکایی، نقشی اساسی در انحراف افکار عمومی دنیا ایفا کرد.

صدای آمریکا از رسانه‌های سابقه‌داری است که با استفاده از امکانات متعدد خود، سال‌هاست علیه انقلاب اسلامی ایران به تبلیغ مشغول است. سالانه مبالغ زیادی از سوی دولت ایالات متحده برای تداوم فعالیت آن هزینه می‌شود و به‌علاوه، یکی از مؤسسات رسمی است که اعطای کمک‌های مختلف از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی به افراد خاص از طریق و در پوشش آن انجام می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۹: ۲۰). منظور از شبکه رسانه‌ای صدای آمریکا در این پژوهش، بخش انگلیسی و فارسی صدای آمریکا است.

در مارس سال ۱۹۴۲ میلادی، رادیوی دولتی ایالات متحده آمریکا با عنوان رادیوی عمومی ملی و چندی بعد، بخش بین‌المللی آن نیز با عنوان صدای آمریکا آغاز به کار کرد. هدف اولیه از تأسیس این بخش، بهبود چهره آمریکا در جهان و گسترش آزادی و دموکراسی مورد نظر در کشورهای دیگر بود. در واقع، صدای آمریکا ابزاری برای اجرای سیاست‌های وزارت امور خارجه ایالات متحده و همچنین تأثیر بر افکار مردم جهان نسبت به این کشور بود که به‌وسیلهٔ زبان رسانه دنبال می‌شد. مجموعه صدای آمریکا دارای ۴۴ پخش‌کننده تلویزیونی است. این مجموعه با هدف استفاده و بهره‌گیری از ابزار دیپلماسی عمومی پایه‌گذاری و تأسیس شد که گستره پخش آن آسیا، اروپا، خاورمیانه و شمال آفریقا را شامل می‌شود (باقری‌هشی و دیگران، ۱۳۹۲: ۴۵).

موضوع هسته‌ای ایران یکی از مسائلی است که در این سال‌ها به‌شدت در کانون توجه این رسانه آمریکایی قرار گرفته است. نتایج بررسی‌های مقدماتی در مورد محتوای منتشرشده در پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا و نیز بخش فارسی آن و مروری بر اخبار، گزارش‌ها و تحلیل‌های منتشرشده در فاصله یک‌دهه گذشته در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران دلالت بر این امر دارد که رسانه مذکور در مدت یادشده با پیگیری یک خط مشخص خبری، بحران‌آفرینی در موضوع هسته‌ای ایران را در دستورکار قرار داده است.

۳. تحلیل محتوایی عملکرد صدای آمریکا در قبال موضوع هسته‌ای ایران (چگونگی ساخت بحران هسته‌ای ایران)

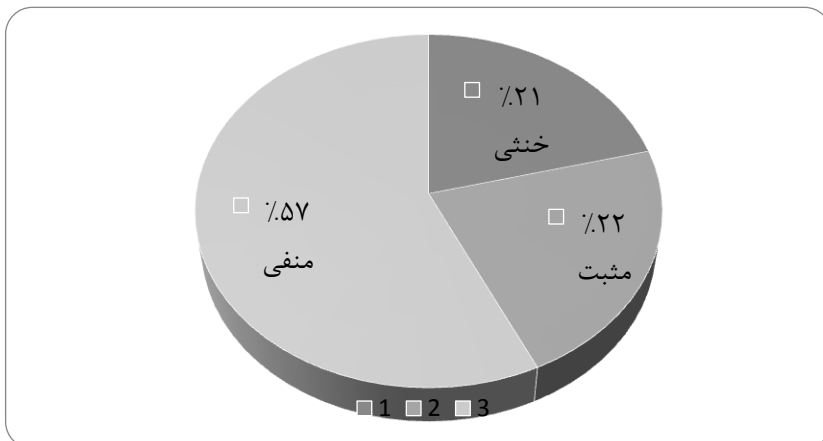
بنابر بررسی‌های صورت پذیرفته در این مقاله، رسانه صدای آمریکا با بهره‌مندی از روش‌های غالب رسانه‌ای به فضا سازی رسانه‌ای علیه فعالیت هسته‌ای ایران پرداخته است. با تحلیل محتوای اخبار منتشر شده در پایگاه‌های اینترنتی صدای آمریکا از سال ۱۳۸۳ تا سال ۱۳۹۳ شمسی_ که اطلاعات دقیق آن در نگاره زیر آمده است نتایج زیر استخراج شد:

نگاره شماره (۱) - اطلاعات کامل جامعه آماری

ردیف	منبع بررسی اخبار	تعداد	بازه زمانی	کلمات کلیدی	لینک دسترسی به صفحه آرشیو
۱	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۵۰۸۹ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Nuclear Program of Iran	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Nuclear%20program%20of%20Iran 0 allzones 08/01/2002 10/16/2014 banner
۲	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۲۳۵۲ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran Nuclear Talks	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner
۳	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۷۰۱ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran Nuclear Dispute	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%20nuclear%20dispute 0 allzones 08/01/2002 10/20/2014 banner
۴	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۴۶۸۶ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran's Nuclear Program	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Iran%27s%20nuclear%20program 0 allzones 08/01/2002 10/24/2014 banner
۵	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۷۲۹ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا سپتامبر ۲۰۱۴	Negotiations Between Iran and US	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all Negotiations%20Between%20Iran%20and%20US 0 allzones 08/01/2002 09/17/2014 banner
۶	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۶۱۰ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Iran West Nuclear Talks	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all iran%20west%20nuclear%20talks 0 allzones 08/01/2002 10/08/2014 banner
۷	پایگاه اینترنتی انگلیسی صدای آمریکا	۵۵۵۲ خبر	آگوست ۲۰۰۲ تا اکتبر ۲۰۱۴	Nuclear Iran	http://www.voanews.com/search/search2.aspx#all nuclear%20iran 0 allzones 08/01/2002 10/22/2014 banner
۸	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۸۶۳ خبر	فروردین ۱۳۸۷ تا دی ۱۳۹۳	مذاکرات هسته‌ای	http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C10 allzones !1387-1-1 !1393-10-31 banner

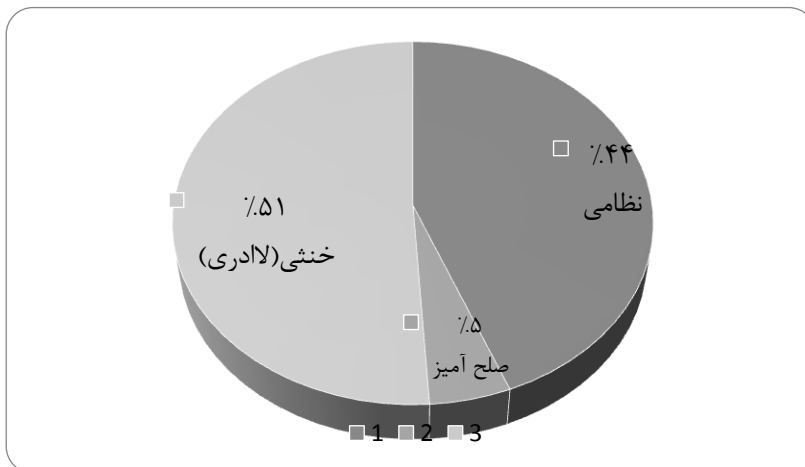
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D9%BE%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%AF%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-10-14 date	پرونده هسته‌ای ایران	فروردین ۱۳۸۷ تا دی ۱۳۹۳	۲۳۲ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۹
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-9-14 date	ایران هسته‌ای	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	۲۰۳۶ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۰
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-9-14 date	مناقشه اتمی ایران	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	۱۱۵ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۱
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D9%85%D9%86%D8%A7%D9%82%D8%B4%D9%87%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-9-14 date	مناقشه هسته‌ای ایران	فروردین ۱۳۸۷ تا آذر ۱۳۹۳	۴۹ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۲
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D8%A8%D9%85%D8%A8%20%D8%A7%D8%AA%D9%85%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-8-14 date	بمب اتم ایران	فروردین ۱۳۸۷ تا آبان ۱۳۹۳	۱۰۹ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۳
http://ir.voanews.com/search/search2.aspx#all%D9%85%D8%B0%D8%A7%DA%A9%D8%B1%D8%A7%D8%AA%20%D9%87%D8%B3%D8%AA%D9%87%20%D8%A7%DB%8C%20%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86%20%D8%A8%D8%A7%20%D8%A2%D9%85%D8%B1%DB%8C%DA%A9%D8%A7%7C0 allzones! 1387-1-1! 1393-11-1 date	مذاکرات هسته‌ای ایران با آمریکا	فروردین ۱۳۸۷ تا بهمن ۱۳۹۳	۷۷۵ خبر	پایگاه اینترنتی فارسی صدای آمریکا	۱۴

نمودار شماره (۱) - جهت‌گیری تیترهای اصلی اخبار منتشرشده درباره موضوع هسته‌ای



جهت‌گیری مثبت تیترهای به‌کاررفته حدود ۲۲/۲ درصد
جهت‌گیری منفی تیترهای به‌کاررفته حدود ۵۷ درصد
جهت‌گیری خنثی تیترهای به‌کاررفته حدود ۲۰/۸ درصد

نمودار شماره (۲) - میزان القای نظامی یا صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران

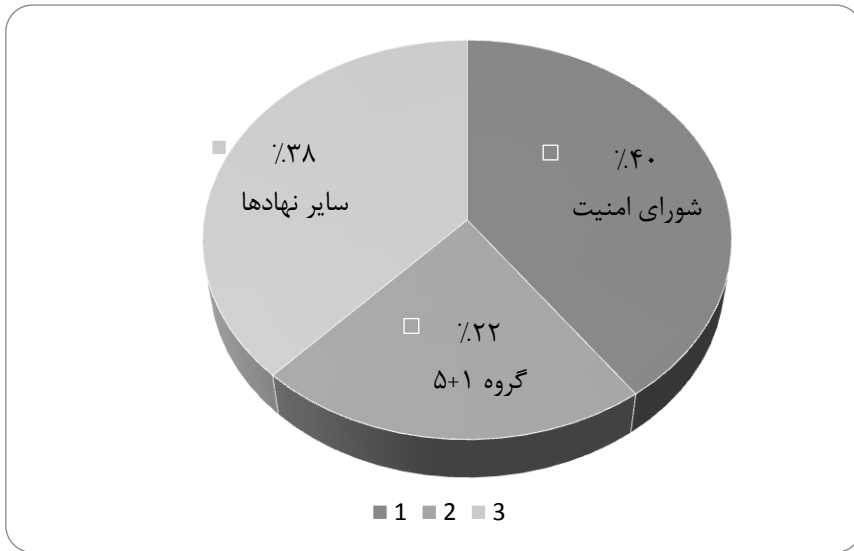


حدود ۴۴ درصد از اخبار به القای نظامی بودن برنامه هسته‌ای ایران پرداخته‌اند.
حدود ۵ درصد از اخبار بر صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران تأکید کرده‌اند.
حدود ۵۱ درصد بقیه اخبار موضعی بی‌تفاوت در قبال این مسئله اتخاذ کرده‌اند.

۴. مرجع حل موضوع هسته‌های ایران

- ۱- در ۴۰ درصد از اخبار منتشرشده در صدای آمریکا، شورای امنیت سازمان ملل متحد به‌عنوان تنها مرجع برای حل بحران هسته‌های ایران مورد تأیید قرار گرفته است؛
- ۲- گروه ۵+۱ با اختلاف زیاد، ۲۲ درصد، در جایگاه دوم قرار دارد؛
- ۳- ۳۸ درصد از اخبار، دیگر نهادها را به‌عنوان مرجع حل بحران هسته‌های ایران مطرح کرده است.

نمودار شماره (۳)-میزان القای نظامی یا صلح آمیزبودن برنامه هسته‌های ایران



۵. تحلیل و ارزیابی داده‌های آماری

همان‌گونه که اشاره شد، مسئله هسته‌های ایران از یک‌دهه پیش توسط رسانه‌های دولتی ایالات‌متحده به‌شکل کاملاً پرننگی مورد برجسته‌سازی قرار گرفته است. در مسئله هسته‌های ایران از مطبوعات، تلویزیون، ماهواره، شبکه‌های اطلاع‌رسانی و اینترنت استفاده گسترده‌ای شده است، به‌طوری‌که دولت ایالات متحده با دست‌یازیدن به روش‌ها و الگوهای اطلاع‌رسانی و خبررسانی به تقویت موضع خود از یک‌سو و به‌چالش‌کشاندن موضع جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر پرداخته است. در این خصوص، بارها دولتمردان ایران اعلام کرده‌اند که هدف از دنبال کردن برنامه‌های اتمی، مقاصد صلح‌طلبانه است، ولی ایالات متحده و هم‌پیمانان این

کشور بر این اعتقادند که هدف ایران از پیگیری این برنامه‌ها، دستیابی به جنگ‌افزار اتمی است (گیویان و قلی‌زاده، ۱۳۸۹: ۲).

با استناد به آمار و ارقام تحقیقی مطرح شده پیرامون کمیت و کیفیت اقدام رسانه‌ای صدای آمریکا در قبال موضوع هسته‌ای ایران که نتایج اصلی آن مطرح شد، می‌توان ادعا کرد که صدای آمریکا به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین کارگزاران دیپلماسی رسانه‌ای دولت ایالات متحده با بهره‌مندی از فنون و روش‌های رسانه‌ای به فضا سازی گسترده علیه موضوع هسته‌ای ایران پرداخته و با تهدیدآمیز جلوه‌دادن فعالیت هسته‌ای ایران، خواستار حضور فعال شورای امنیت سازمان ملل متحد برای حل‌وفصل مناقشه اتمی ایران شده است.

این ادعاها علیه برنامه هسته‌ای ایران در حالی است که در سال ۲۰۰۷، شانزده نهاد اطلاعاتی آمریکا با اطمینان بالا اعلام کرده بودند که ایران به هیچ‌وجه بر روی تسلیحات هسته‌ای کار نمی‌کند. مهم‌تر از آن، فتوای *آیت‌الله خامنه‌ای*، رهبر ایران است که بارها حرام‌بودن استفاده از این‌گونه تسلیحات را مورد تأکید قرار داده است؛ موضوعی که توسط گرت پورتر نویسنده آمریکایی در کتاب *بحران ساختگی؛ داستان ناگفته هراس از ایران هسته‌ای* (Gareth Porter, 2013) نیز به‌صراحت مورد تأکید قرار گرفته است. باتوجه به آنکه عقلانیت ابزاری، منشأ رفتار دولت ایالات متحده است و اساساً اصول سیاست‌های آمریکا بر پایه سودآوری و منفعت‌محوری است، بی‌تردید این‌گونه رفتار رسانه‌ای نیز، مبتنی بر منافع مشخصی است. منافع دولت آمریکا از این اقدامات رسانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران را می‌توان در سه سطح داخلی (جامعه آمریکا)، منطقه‌ای (غرب آسیا) و بین‌المللی (نظام بین‌الملل) و در ترویج سه پدیده ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی مورد توجه قرار داد. موضوعی که در ادامه مورد بررسی قرار گرفته است.

۶. ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی؛ سه پیامد اصلی فضا سازی

علیه پرونده هسته‌ای ایران

اگر هراس را پدیده‌ای روانشناختی و مبتنی بر مبادی خاص معرفتی بدانیم که از جهل و نادانی مخاطب پیرامون یک موضوع نشأت می‌گیرد، می‌توان سه پدیده اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی را پدیده‌هایی مدرن به‌شمار آورد که با توسعه و اثرگذاری روزافزون رسانه‌ها از ابعاد جدیدی برخوردار شده‌اند. اهمیت و اثرگذاری رسانه‌ها در عصر جدید به‌گونه‌ای است که بسیاری از اندیشمندان پدیده‌هایی چون ایران‌هراسی را واقعیت ساخته‌شده‌ای توسط رسانه‌ها می‌دانند. در این برداشت، برای مثال کشورهای منطقه خاورمیانه، رسانه‌هایی چون صدای آمریکا برحسب منافع خود با سوءاستفاده حداکثری از شکاف‌های موجود میان ایران با اعراب

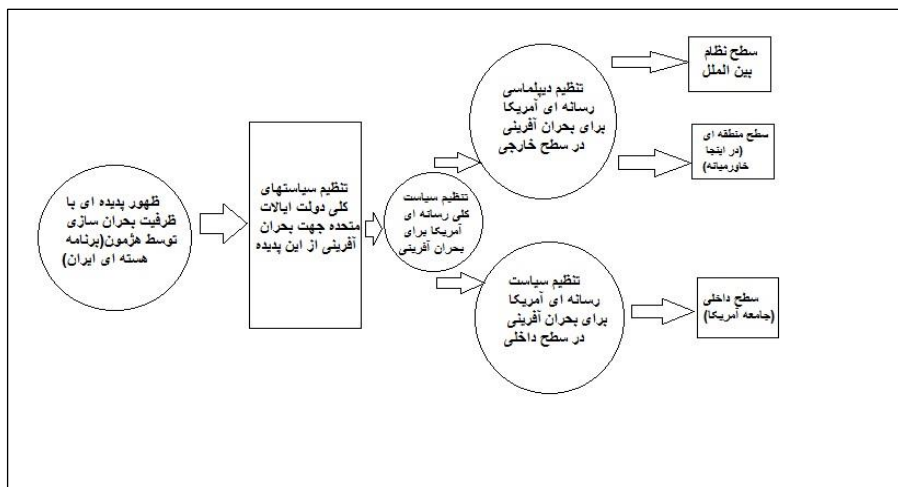
منطقه، به تشدید این شکاف‌ها می‌پردازند. در این معنا، ایران‌هراسی پدیده‌ای است که تا حد بسیار زیادی ساخته و پرداخته رسانه‌ها است. توضیح آنکه برای مثال در موضوع ایران‌هراسی شاهد آن هستیم که در ذهن و زبان مخاطبان عرب و اهل تسنن رسانه، واژه‌های نسبت به حکومت شیعی ایران ایجاد می‌شود. وجود چنین خاصیتی است که رسانه را به‌عنوان راهبردی‌ترین ابزار سیاست‌ خارجی قدرت‌های بزرگی چون ایالات متحده قرار داده است.

بر این اساس، شاهد آنیم که هم‌زمان با آغاز طرح موضوع هسته‌ای ایران در مجامع بین‌المللی، به‌خصوص شورای امنیت سازمان ملل متحد، رسانه‌های مطرح آمریکایی مانند صدای آمریکا خط خاص ایران‌هراسی در قبال این موضوع را در دستورکار خود قرار داده‌اند. این امر به‌گونه‌ای است که این رسانه‌ها در رویه‌ای مشترک پس از وقوع هر رویدادی درباره‌ی موضوع هسته‌ای، موج جدیدی از بحران‌آفرینی در موضوع هسته‌ای ایران را کلید زده و با القای نزدیک‌شدن حکومت شیعی و مسلمان ایران به مرحله ساخت بمب اتم، افکار عمومی دنیا را تحت تأثیر قرار داده‌اند. برحسب ماهیت جمهوری اسلامی ایران (که در ادامه بدان پرداخته‌ایم)، با هرگونه اقدام رسانه‌ای و تبلیغاتی علیه این نظام سیاسی، هر سه پدیده ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی از این اقدام تأثیر می‌پذیرند. بنابراین می‌توان ادعا کرد که اقدامات رسانه‌ای آمریکا علیه پرونده هسته‌ای ایران، پیشبرد این سه پدیده را با خود به‌همراه داشته است. به‌عبارت دیگر، اقدام رسانه‌ای آمریکا علیه برنامه هسته‌ای ایران، سه پیامد همراه و هم‌زمان اسلام‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و ایران‌هراسانه را دربر داشته است.

با ترویج و گسترش این سه پدیده (ایران‌هراسی، شیعه‌هراسی و اسلام‌هراسی)، هر کدام از سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی با درجات گوناگون تحت تأثیر این فضا قرار گرفته‌اند. برای مثال جامعه هدف شیعه‌هراسی (برحسب ماهیت مذهبی و فرقه‌ای این پدیده)، بیش از هر چیز در سطح منطقه جهان اسلام و شکاف‌های موجود میان دو مذهب اصلی مکتب اسلام، یعنی تشیع و تسنن قابل ردگیری است. حال آنکه ایران‌هراسی (برحسب جایگاه ایران هم به‌عنوان یک دولت، هم به‌عنوان نمادی از اسلام سیاسی و هم به‌عنوان نمادی از حکومت شیعیان)، در هر سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل ردگیری است. توضیح آنکه جامعه هدف پدیده ایران‌هراسی در هر سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تعریف است. با چنین مبنایی می‌توان دو سطح داخلی جامعه آمریکا (به‌عنوان جمعیت غالباً غیرمسلمان) و نظام بین‌الملل را جوامع هدف اسلام‌هراسی به‌شمار آورد.

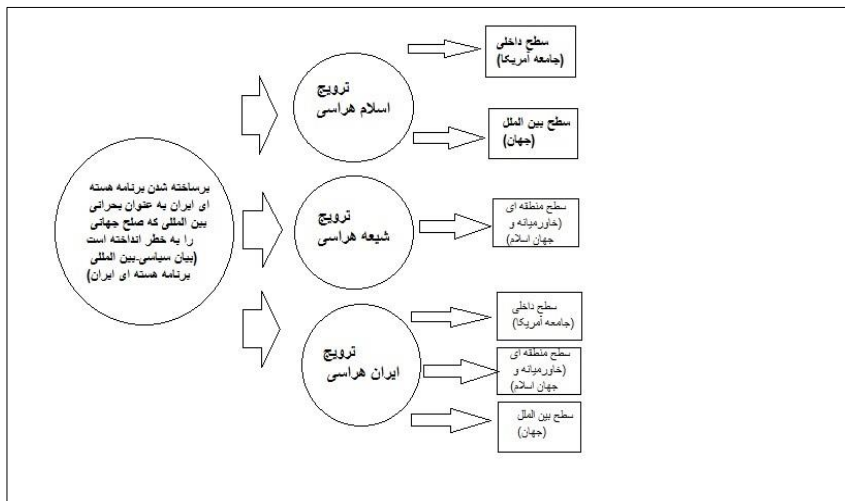
شکل شماره (۱) - سطوح اثرپذیر از فضا سازی رسانه‌ای دولت ایالات متحده علیه

برنامه هسته‌ای ایران



شکل شماره (۲) - مناطق اثرپذیر از ترویج سه پدیده اسلام‌هراسی، شیعه‌هراسی و

ایران‌هراسی



برحسب نوع هویت نظام سیاسی ایران، تلاش رسانه‌های دولتی ایالات متحده برای تهدید نشان دادن برنامه هسته‌ای ایران برای تمام مردم دنیا، سه پیامد بارز و مشخص اسلام‌هراسانه، شیعه‌هراسانه و ایران‌هراسانه را با خود به همراه داشته است. در ادامه به شرح و بسط این ادعا پرداخته‌ایم.

۷. جمهوری اسلامی ایران؛ نماد اسلام سیاسی

نظام جمهوری اسلامی-حکومتی کاملاً دینی و نماد بارز اسلام سیاسی است. بنابه نظریه ام‌القرای محمدجواد لاریجانی، جهان اسلام یک امت واحد است و ملاک وحدت امت، رهبری آن است. اگر کشوری بتواند با تشکیل حکومت اسلامی سطح رهبری خود را از مرزهای سرزمینی فراتر برد، در موقعیت ام‌القرای جهان اسلام قرار می‌گیرد. از نظر لاریجانی، ایران پس از انقلاب اسلامی در چنین جایگاهی قرار گرفته و امام خمینی با تأسیس حکومت مبتنی بر ولایت فقیه در دو جایگاه رهبر ایران و رهبر امت اسلام قرار گرفت. به این ترتیب، حکومت ایران باید علاوه بر منافع ملی، به منافع جهان اسلام نیز بپردازد و دیگر کشورها نیز موظفند از ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام حمایت و دفاع کنند. در صورتی که میان منافع ام‌القرای و منافع امت تعارضی پیش آید، منافع امت همواره مقدم است، مگر در حالتی که مسئله بر سر حفظ نظام اسلامی در ام‌القرای باشد. بر اساس این نظریه، حفظ ام‌القرای بر هر چیز دیگر اولویت دارد و در صورت لزوم می‌توان احکام اولیه اسلامی را هم برای حفظ آن به‌تعویق انداخت (فیرحی، ۱۳۸۲: ۲۶-۲۶۱). براساس چنین خوانشی و باتوجه به تأکید این خوانش بر مسئله صدور انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران را باید تجلی همه‌جانبه‌ای از اسلام سیاسی و حکومتی دینی به‌شمار آورد.

نکته مهم دیگر آنکه به‌دلیل آموزه‌های ایدئولوژیک شیعه در قیاس با اهل تسنن، تشیع از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است؛ چرا که تشیع با اعتقاد به غاصبانه‌بودن حاکمیت غیرمعصوم، هرگونه تسلط غیرمسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند. از این‌رو، اعتقاد به همین باور، اساس استعمار را به‌چالش می‌کشد. در این میان، غرب از آموزه‌های تشیع ایرانی بیشتر احساس خطر می‌کند، به‌طوری‌که آمریکا مطرح کرده که هراسش از ایدئولوژی اسلام انقلابی ایران است. زبان انقلابی ایران خطرناک است؛ چون فهم رایج از نقش آرام و خاموش مذهب در سیاست را هدف قرار می‌دهد (فوازی، ۱۳۸۲: ۲۳۱). تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان نشان می‌دهد که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح کرد که با منافع قدرت‌های حامی حفظ وضع موجود تعارض داشت (عزتی، بی‌تا: ۳۰۱).

بنابه آنچه گفته شد؛ جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از چنین ویژگی‌هایی به‌عنوان اصلی‌ترین نماد از قدرت تمدن اسلامی (که همواره در تقابل و چالش با تمدن غرب بوده است)، به‌حساب می‌آید. این امر منجر به آن می‌شود تا هرگونه اقدام در راستای ترس و هراس از جمهوری اسلامی ایران (در اینجا ایجاد ترس به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی

ایران) را بتوان به‌عنوان بخشی از پروژه اسلام‌هراسی به‌شمار آورد. البته همان‌گونه که اشاره شده برجسته‌سازی برنامه هسته‌ای ایران، تنها بخشی از پروژه اسلام‌هراسی است و قطعاً نمی‌توان این پروژه عظیم را به موضوع هسته‌ای ایران تقلیل داد. به‌عبارت دیگر، فضا سازی و تبلیغات علیه برنامه هسته‌ای ایران، تنها به‌عنوان بخشی از پروژه اسلام‌هراسی قابل تعریف است. همین نکته در رابطه با دو پدیده شیعه‌هراسی و ایران‌هراسی نیز قابل استناد است. توضیح آنکه تبلیغات و فضا سازی علیه برنامه هسته‌ای ایران، تنها گوشه‌ای از اقدامات صورت‌پذیرفته در راستای هدف ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی به‌شمار می‌آید و قطعاً نمی‌توان کل این پدیده‌ها را به برنامه هسته‌ای ایران تقلیل داد. با این حال، پرونده هسته‌ای ایران مجال مناسبی برای ترویج این امور را فراهم ساخته است. اسلام‌هراسی، پروژه‌ای است که از جوامع هدف مشخصی در دو سطح داخل جامعه آمریکا و سطح نظام بین‌الملل برخوردار است.

۸. جمهوری اسلامی ایران؛ نماد قدرت شیعه

نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس خوانش شیعه دوازده امامی از اسلام شکل گرفته و به تعبیری، ام‌القرای جهان تشیع نیز به‌شمار می‌آید. در فرایند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به‌مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌ساز جلوه‌گر شد. مهم‌ترین اقدام امام خمینی (ره) (به‌عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی) در این زمینه، ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود. مبنای این تغییرات، تفسیر جدیدی بود که امام از مفاهیم، آموزه‌ها و نمادهای اسلام شیعی انجام داد (عزتی، بی تا: ۳۰۱). تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشود و شیعیان به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۱۶)

برخی از صاحب‌نظران غربی معتقدند که حساسیت آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه زمانی بیشتر خواهد شد که موقعیت‌های ژئوپلیتیکی شیعه هم در نظر گرفته شود. ژئوپلیتیک شیعه به‌مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ با هارتلند ایران است. در واقع، کمربندی از تشیع، حیات اقتصادی، راهبردی و تاریخی اسلام را دربرمی‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، یمن، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود، خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به‌سرعت انتقال می‌یابد (تشیع، ۱۹۸۴: ۳۶). از طرفی، با توجه به خصوصیات ژئوپلیتیکی کشورهای واقع در حوزه ژئوپلیتیک شیعه، ساختار طبیعی و انسانی ژئوپلیتیک شیعه، صفاتی را به آن بخشیده که به‌منزله یک واحد کارکردی فعال و مؤثر در نظام جهانی عمل می‌کند. صفاتی مانند منابع، جمعیت، نحوه

قرارگیری، موقعیت جغرافیایی و نظایر آن، منطقه را در مسائل مهم جهانی نظیر انرژی، عملیات و راهبرد نظامی، اندیشه دینی، امنیت بین‌المللی، تجارت جهانی و ... درگیر کرده است. از طرفی، جمعیت شیعه عرب به‌لحاظ راهبردی در قلب بزرگ‌ترین منطقه نفت‌خیز خاورمیانه و در عرض شاهراه‌های نفتی خلیج فارس قرار دارند. با توجه به این موضوع، فولر در کتاب *شیعیان عرب، مسلمانان فراموش‌شده* (Fuller, 2001)، بیان می‌کند که از بُعد نظری، شیعیان عرب به‌همراه ایران می‌توانند بیشتر منابع نفتی خلیج فارس را در کنترل خود درآوردند (تقی‌زاده داوری، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

نگاهی به شرایط اقتصادی سیاسی جمعیت شیعیان منطقه روشن می‌سازد که تا چند سال پیش، تنها در ایران شیعیان دارای قدرت سیاسی بودند و اکثریت شیعیان در دیگر مناطق جهان اسلام در وضعیت نابسامانی به‌سر می‌بردند. تداوم این محرومیت‌های همه‌جانبه از یک‌سو و وقوع انقلاب اسلامی ایران از سوی دیگر، احیای شیعیان را به ارمغان آورده است (متقی‌زاده، ۱۳۸۴: ۲۰۳) به‌گونه‌ای که در دوران کنونی (سال ۲۰۱۴ میلادی) شیعیان در بسیاری از کشورهای منطقه از جمله عراق، لبنان، بحرین و یمن از قدرت بالای سیاسی برخوردار شده‌اند، به‌نحوی که بسیاری از ژئوپلیتیک نوین شیعه سخن به‌میان آورده‌اند.

باتوجه به آنکه بسیاری از ناظران، تحولات به‌وقوع پیوسته در دنیای تشیع را تحت‌تأثیر اقدامات جمهوری اسلامی ایران می‌دانند، رسانه‌هایی چون صدای آمریکا با دامن‌زدن به این موضوع که این اقدامات بیش از هر چیز، تحت‌تأثیر دخالت‌های ایران در امور داخلی دیگر کشورهاست، به ترویج شیعه‌هراسی پرداخته‌اند. این امر در دوران مطرح‌شدن پرونده هسته‌ای ایران از شدت و حدت بسیار بیشتری برخوردار شده است، به‌گونه‌ای که تلاش حکومت شیعی ایران برای احیای امپراتوری شیعی صفویه، به یکی از برجسته‌ترین گزاره‌های خبری رسانه‌هایی چون صدای آمریکا در سال‌های اخیر تبدیل شده است. پدیده شیعه‌هراسی از جامعه هدف مشخصی در سطح منطقه خاورمیانه و جهان اسلام برخوردار است.

۹. جمهوری اسلامی ایران؛ نماد قدرت دولتی به نام ایران

در کنار اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی به‌عنوان دو برداشت القاء‌شده از برنامه هسته‌ای ایران که در دستورکار رسانه‌های غربی قرار گرفته است، پدیده ایران‌هراسی به‌شکل جدا نیز قابل تأکید است. هرچند همان‌گونه که اشاره شد برحسب ویژگی‌های خاص نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران، می‌توان همپوشانی‌های واضحی را در این سه پدیده که اغلب در برنامه هسته‌ای ایران به موازات یکدیگر پیش رفته است، در نظر گرفت، اما پدیده ایران‌هراسی با خوانشی که در آن ایران به‌عنوان یک واحد سیاسی فعال (ملت-دولت) در عرصه بین‌الملل در نظر گرفته

می‌شود، نیاز به توجه ویژه دارد. براساس آنچه گفته شد می‌توان هر سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را به‌عنوان جوامع هدف پدیده ایران‌هراسی مورد تدقیق قرار داد.

فرجام

در حال حاضر می‌توان گفت که رسانه‌های جمعی، تجهیزات و امکانات مرتبط با آنها به مهم‌ترین منبع قدرت نرم تمام کشورها، به‌ویژه کشورهای قدرتمندی چون ایالات متحده تبدیل شده‌اند. امروزه نقش مسلط رسانه‌ها در شکل‌دهی، جهت‌دادن و مدیریت افکار عمومی بر هیچ‌کس پوشیده نیست. از این‌رو، رسانه‌های جمعی منبع مهم قدرت در جهت منافع افراد، گروه‌ها و کشورها به‌شمار می‌روند. وسایل ارتباط جمعی و رسانه‌ها، هم ابزار قدرت غیرمادی و هم منبع قدرت هستند (گالبرایت، ۱۳۷۱: ۵۸). رسانه‌ها موقعیت یا عرصه‌ای فراهم می‌آورند که در آن، روزبه‌روز مسائل زندگی عموم، چه در سطح ملی و چه در عرصه بین‌المللی، بیشتر متجلی می‌شوند. رسانه‌ها به بخش اصلی و مرکزی صحنه سیاسی تبدیل شده‌اند و تبلیغات سیاسی به روش‌های قبلی نیز بی‌فایده شده‌اند (گیویان و دیگران، ۱۳۸۹: ۱). با بهره‌گیری از فناوری‌های پیچیده و پیشرفته، امروز رسانه‌ها می‌توانند پیام‌های خود را به صدها میلیون مخاطب برسانند. رسانه‌ها با توسعه خود، موفق به تحقق دو امر شده‌اند: یکی منحرف کردن زمان و توجه از سایر فعالیت‌ها به سوی خود و دیگری ایجاد مجرای برای رساندن اطلاعات مورد نظر خود برای تحقق ایده‌ها و اهدافشان. به‌منظور دستیابی به هدف نفوذ در افکار عمومی، آنها از روش‌ها و فنون مختلفی استفاده می‌کنند که یکی از این فنون برجسته‌سازی اخبار است. اقدامی که در پرداختن به موضوع هسته‌ای ایران از همان ابتدا در دستور کار رسانه‌هایی چون صدای آمریکا قرار گرفت.

موضوع هسته‌ای ایران در فاصله سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۳ توانست خوراک لازم خبری را برای بهره‌برداری رسانه‌های آمریکایی و تأمین منافع دولت ایالات متحده در سه سطح یادشده مهیا کند. بر چنین مبنایی، پرونده هسته‌ای ایران از همان ابتدای طرح در مجامع بین‌المللی با کنشگری رسانه‌هایی مانند صدای آمریکا، ضمن خروج از مسیر بررسی فنی و حقوقی، به ورطه سیاسی‌کاری دولت‌هایی چون ایالات متحده افتاد.

منابع فارسی

باقری‌هشی، مهدی، مرتضی جاویدکار و محسن آقامحمدی (بهار و تابستان ۱۳۹۲)، "نقش شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان در پیشبرد اهداف آمریکا در جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی صدای آمریکا)"، *مجله رسانه و فرهنگ*، سال سوم،

مارتین، کرامر (۱۳۶۸)، "شیعه، مقاومت و انقلاب"، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تالابو (۱۹۸۴ میلادی)، تهران: بی‌جا.

تقی‌زاده داوری، محمود (زمستان ۱۳۸۳)، "شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیای تعاملی و چالشی"، *فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی*، (۲۸).

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱)، *تحلیل عملیات روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران*، تهران: انتشارات دانشگاه امام‌صادق(ع).

رنانی، محسن (۱۳۹۲) *اقتصاد سیاسی مناقشه اتمی ایران (درآمدی بر عبور تمدن‌ها)*، تهران: تارنمای رسمی محسن رنانی.

سجادپور، سیدمحمدکاظم و سعیده اجتهادی (بهار و تابستان ۸۹)، "نگرش امنیتی غرب و تهدیدات بین‌المللی پس از جنگ سرد (مطالعه موردی برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران)"، *فصلنامه دانش سیاسی*، (۱) ۶-۲۵.

سورین، ورنر و جیمز تانکارد (۱۳۸۴)، *نظریه‌های ارتباطات*، ترجمه علیرضا دهقان، چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

شاکری، مجتبی (۱۳۸۴)، *رسانه‌های جمعی و انتخابات ریاست جمهوری*، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.

شریعتی‌نیا، محسن (تابستان ۱۳۸۹)، "ایران‌هراسی: دلایل و پیامدها"، *فصلنامه روابط خارجی*، (۲) ۸-۲۰۸.

شکرخواه، یونس (۱۳۷۴)، *خبیر*، تهران: انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه.

عزتی، ابوالفضل (بی‌تا)، *اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی*، تهران: هدی.

فاضلی‌نیا، نفیسه (زمستان ۱۳۸۵)، "علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی (با تأکید بر عنصر ژئوپلیتیک شیعه)"، *فصلنامه علوم سیاسی*، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، شماره ۳۶: ۱۱۱-۱۲۴.

فوازی، جرجیس (۱۳۸۲)، *آمریکا و اسلام سیاسی*، ترجمه محمدکمال سروریان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

فیرحی، داوود (۱۳۸۲)، *نظام سیاسی و دولت در اسلام*، تهران: سمت.

قنبرلو، عبدالله (زمستان ۱۳۸۷)، "آمریکا و بحران هسته‌ای ایران"، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۲: ۸۵۲-۸۲۷.

گالبرایت، جان (۱۳۷۱)، *آنانومی قدرت*، ترجمه محبوبه مهاجر، تهران: سروش.

گیویان، عبدالله و بهنام رضاقلی‌زاده (زمستان ۱۳۸۹)، "برجسته‌سازی اخبار انرژی هسته‌ای ایران در بخش فارسی سایت‌های بی‌بی‌سی و صدای آمریکا طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۵"، *جهانی رسانه*، شماره ۹.

متقی‌زاده، زینب (۱۳۸۴)، *جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس*، قم: موسسه شیعه‌شناسی.

محمدی، مسعود (۱۳۸۹)، *مروری بر صدای آمریکا*، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

منابع لاتین

Cohen, Bernards (1963), *The Press And Foreign Policy*, Princeton: Princeton University Press.

Gareth Porter (2013), *Manufactured Crisis: The Untold Story of the Iran Nuclear Scare*,

Charlottesville: Just World Books.

Jones, Jason (2011), *The American Rhetorical Construction of the Iranian Nuclear Threat*, London: A&C Black. Oxford University Press.

McCombs, Maxwell and Shaw Donald (Summer, 1972), "The Agenda-Setting Function of Mass Media", *Public Opinion Quarterly*. 36 (1):76-187.

Osborne, Peter and David Morrison (2013), *A Dangerous Delusion: Why the West is Wrong About Nuclear Iran*. London: Elliott & Thompson.

Perkovich, George (April 2003), "Dealing with Iran's Nuclear Challenge", *Carnegie Endowment for International Peace*.

Risen, James (2006), *State of War: The Secret History of the CIA and the Bush Administration*, US: New York: The Free Press.